

## فصل‌نامه‌ی علمی زبان و ادبیات فارسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد فسا

س ۱۳، ش ۴ (پیاپی ۳۲)، زمستان ۱۴۰۱

صص: ۱۴۸-۱۲۱

شاپا: ۲۲۵۱-۸۴۵۷

### مفهوم امتحان و ابتلا در سه اثر عرفانی با رویکرد بر قرآن کریم

#### طاهره شاکریان

دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران  
دکتر مهر علی یزدان پناه (نویسنده‌ی مسئول)

دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران

#### دکتر حسین پارسایی

استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی، واحد قائم‌شهر، دانشگاه آزاد اسلامی، قائم‌شهر، ایران

#### چکیده

در قرآن کریم بررسی رویکرد امتحانات الهی و انواع آن بسیار، حائز اهمیت است. پس از نزول قرآن اندیشمندان متأثر از آیات الهی، احادیث و گزین گفته‌های بزرگان دین به پیروی از آن‌ها امتحان الهی را مورد توجه خاص قرار دادند. در این مقاله نویسنده به بررسی سیر تحول مفهوم امتحانات الهی و راه‌های درمان و برون‌رفت از آن پرداخته است. در پی پاسخ به این پرسش که رویکرد قرآن کریم، حدیقه الحقیقه و طریق الشریعه، منطق الطیر و مثنوی معنوی به مفهوم امتحانات الهی چیست؟ نتایج پژوهش بیانگر آن است که مشرب فکری عرفا با توجه به شرایط و دیدگاه فرهنگی از مفهوم امتحان به دریافت‌های گوناگونی رسیده‌اند. از منظر عرفا، امتحانات الهی برای سنجش سره از ناسره جاری می‌شود. راه‌های برون‌رفت از آن به وسیله مبارزه با نفس، کبر و حرص، معرفت، ایمان، ریاضت، اخلاص، قناعت، یقین، طاعت، توبه، توکل و ... می‌باشد.

**واژگان کلیدی:** قرآن، امتحان، حدیقه الحقیقه، منطق الطیر، مثنوی معنوی

---

Email: shakerian.tahereh@qaemiau.ac.ir

m.yazdanpanah@qaemiau.ac.ir

hosseinparsaei46@gmail.com

تاریخ دریافت مقاله: ۱۴۰۰/۱۱/۰۱

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۱/۰۴/۰۸

## ۱- مقدمه

یکی از مفاهیم اساسی در قرآن کریم بحث محوری امتحانات الهی است. در فلسفه امتحان الهی تبیین شکوفایی و فرایند رشد تکاملی بشر تجلی می‌یابد. خدای سبحان بندگان را با آسایش و سختی آزمایش می‌کند. هدف از این همه آزمایش شناساندن خدای واحد خود را به بندگان که همان «کنزاً مخفیاً» است. آزمون‌های الهی عام و فراگیر است و در قرآن کریم حتی فرشتگان، پیامبران و اولیاء از مشمولین امتحان الهی هستند. ادبیات عرفانی یکی از مقوله‌هایی است که بخش گسترده‌ای از ادب فارسی را به خود اختصاص داده است. به دلیل اهمیت امتحان الهی و انواع آن، عرفا نیز برای درک حقایق و یافتن مفاهیم تازه از گزاره‌های آیات قرآنی بهره می‌بردند. «نفس» یکی از آزمون‌های پرتکرار در قرآن کریم و آثار تعلیمی عرفاست. حرص، غرور و علائق مادی از جمله امتحاناتی است که با رهیافت توکل، دعا، توبه، صبر و ... درمان می‌شود. در سه اثر عرفانی حدیقه الحقیقه و شریعه الطریقه، منطق الطیر عطار و مثنوی مولوی آثار این نوع امتحانات و راه‌های برون‌رفت از آن‌ها به مریدان توصیه شده است.

### ۱-۱- بیان مساله:

قرآن، کامل‌ترین کتاب انسان‌شناسی است که راه بشر را به سر منزل مقصود می‌نمایاند و به‌طور گسترده به امتحانات الهی، انواع رهیافت و درمان آن پرداخته است. عرفا با تأثیرپذیری از قرآن کریم و توجه به مشارب فکری، مقتضیات اجتماعی، فرهنگی، سیاسی، جنگ‌ها و ... به موضوع امتحانات الهی به ویژه انواع آزمون‌ها پرداخته‌اند. بر این اساس سه کتاب عرفانی حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه، منطق الطیر و مثنوی معنوی از نویسندگان بزرگی چون سنایی، عطار و مولوی برگزیده شده‌اند و بر این امر تأکید دارند.

بی‌شک کتاب حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه، پیشگام ورود عرفان به عرصه شعر فارسی است. مفهوم امتحانات الهی، نفس، حرص، غرور، ابلیس، علائق مادی و ... انواع رهیافت و درمان آن؛ ایمان، دعا، صبر، اخلاص، قناعت، ریاضت و ... در این کتاب برای تعلیم و تربیت نفسانی مریدان با تأثیرپذیری از قرآن کریم بررسی می‌شود.

عطار نیشابوری در کتاب منطق الطیر انواع امتحانات الهی و درمان آن را با موضوع سلوک عرفانی در هفت مرحله از وحدت به کثرت و سرانجام از کثرت به وحدت در سفر مرغان و زبان رمزین و نمادین به تصویر می‌کشد.

پس از «حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه» و «منطق الطیر»، مولوی شاعر و عارف برجسته زبان و ادبیات فارسی که خود را مفسر بزرگ قرآن کریم می‌داند، تحت تأثیر این سترگ‌نامه آسمانی، مثنوی را با توانمندی به تربیت عرفانی، آموزه‌های تعلیمی، اخلاقی،

دینی و ... به راهنمایی مریدان می‌پردازد.

## ۱-۲- سوال اصلی:

مفهوم امتحان الهی در سه اثر عرفانی با رویکرد به قرآن کریم چیست؟

## ۱-۳- ضرورت پژوهش:

درک و دریافت درست از رویکرد قرآن کریم در ابعاد مختلف زندگی بشر، به ویژه مسأله امتحانات الهی، انواع و برون رفت از آن‌ها در کتاب آسمانی و اندیشه عرفای بزرگ در این باره، موجب برداشت دقیق‌تری از مفهوم آزمون‌های الهی می‌شود. شناخت و معرفت آزمایش الهی سبب رشد و ارتقای روحی - معنوی انسان‌ها می‌گردد. از این رو، انجام پژوهشی که بتواند امتحانات الهی را در قرآن کریم و اندیشه عرفا بازگو کند، ضروری به نظر می‌رسد.

## ۱-۴- روش پژوهش:

اطلاعات و داده‌های پژوهش حاضر با استفاده از منابع کتابخانه‌ای، بانک‌ها و پایگاه‌های اطلاعاتی الکترونیکی، مقالات و ... گردآوری شده است. مفاهیم امتحان الهی، انواع و درمان آن در قرآن کریم و سه اثر عرفانی با رویکرد به این کتاب آسمانی مشخص شد و داده‌ها، بر مبنای شیوه‌ی توصیفی - تحلیلی، مورد مذاقه، تطبیق و نتیجه‌گیری قرار گرفت.

## ۱-۵- پیشینه پژوهش:

تحقیق نگارندگان در سایت‌های علمی و منابع اطلاعاتی بیانگر آن است که درباره امتحان الهی، انواع و برون رفت از آن‌ها پژوهش‌هایی انجام شده است. مقاله «ابتلا و آزمایش در قرآن کریم» نوشته عبدالعلی پاکزاد (۱۳۸۷)، نویسنده در این مقاله به این نتیجه می‌رسد که فلسفه آزمایش الهی به تکامل رسیدن انسان و برگشت به سوی خداست. مقاله «فلسفه آزمایش و ابتلا در قرآن و روایات و نقش سازندگی آن در تربیت انسان» نوشته اکبر صالحی (۱۳۹۴)، به نقد و بررسی نقش سازنده امتحان، اهمیت و تأثیر آن در تربیت انسان می‌پردازد. نگارندگان مهرعلی یزدان‌پناه، حسین پارسایی و طاهره شاکریان در مقاله دیگری با عنوان «فلسفه امتحان الهی و صفات مبتلایان در مثنوی با رویکردی بر قرآن کریم» (۱۳۹۹)، به این نتیجه رسیده‌اند که ابتلائات بازخورد کنش‌ها و بلا، زمینه ساز آگاهی است. در مثنوی به کنش مبتلایان، صفات ستوده و ناستوده نسبت داده می‌شود. مقاله «چگونگی و چرایی آزمایش و امتحان الهی در زندگی انسان» (۱۳۹۵)، نویسندگان: پریش حسین پور، میلاد حاجری، قاسم بستانی. نویسندگان ابراز می‌دارند که آزمایش و امتحان گناهان را پاک و جان را پالایش می‌کند، شکوفایی استعدادها و شناخت حقیقتها را به دنبال دارد. پژوهش‌های بسیاری درباره موضوع امتحانات الهی در قرآن کریم و دیگر آثار انجام

شده که در این مقاله، مجال پرداختن به آن‌ها نمی‌باشد. بررسی همه جانبه مفهوم امتحان الهی و سه اثر عرفانی مورد بحث، تا کنون صورت نگرفته است و این موضوع، نوآوری و تازگی تحقیق حاضر را نشان می‌دهد. از این‌رو، نگارندگان با توجه به اهمیت آموزه‌های تعلیمی متون عرفانی با رویکرد به قرآن کریم در انجام این پژوهش مبادرت ورزیده‌اند.

## ۲- بحث و بررسی

### ۲-۱- تعاریف

#### ۲-۱-۱- امتحانات الهی در قرآن کریم و سه اثر عرفانی

امتحان از واژه «محن» جمع محنه، بلاها، اندوه‌ها (دهخدا، ۱۳۸۸: ذیل واژه) گرفته شده‌است. در قرآن کریم واژه امتحان دو جا به کار رفته است. یک بار «فامتحوهن» در سوره (ممتحنه / ۱۰) در معنی آزمایش و «امتحن» در سوره (حجرات/ ۳) به معنی «خالص نمودن» و سپس به معنی آزمایش به کار رفته است. بار مفهومی امتحان الهی در بیشتر آیات قرآن دیده می‌شود. امتحانات الهی در راستای تنبیه انسان است و مقصود خداوند از امتحان شناخت انسان و هدف از آفرینش اوست. «روشن است این آزمایش‌ها، آزمایش‌های عمومی مورد نظر نیست، بلکه جنبه بیدارکنندگی دارد.» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۴: ۴۰۲). از منظر سنایی در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه به تبعیت از قرآن کریم، امتحان ملاک سنجش خوب و بد است. هر چند به لحاظ واژگانی امتحان و مترادفات آن در شعرش زیاد، یافت نمی‌شود اما از نظر مفهومی امتحان الهی در سراسر دیوانش ضمن حکایت‌های مختلف مشهود است. واژه امتحان در حدیقه الحقیقه سنایی حدود ۳ بار به کار رفته است. حکیم در سلوک آخر به مریدانش ترک تعلقات، سرکوبی نفس، روشن‌گرایی خرد و توجه به امتحان را توصیه می‌کند:

خان و مانش همه بر اندازد در ره امتحانش بگدازد

(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۱۳)

امتحان و انواع آن در منطق الطیر به گونه تمثیلی در حکایات شکل می‌گیرد که پرندگان نقش آفرین و قهرمان آن هستند. ساختار اصلی داستان رهایی مرغان از وابستگی‌های این‌جهانی و پرواز آن‌ها به سوی حق و حقیقت با گذر از سختی‌های بسیار شکننده در قالب انواع آزمون‌ها که در انجام سفر، رسیدن به دیدار پادشاه مرغان محقق می‌گردد. در منطق الطیر عطار؛ امتحان حدود ۵ بار، بلاء ۷ بار، مبتلا ۱۱ بار به کار رفته است. «انسان همواره آزمون پس می‌دهد تا معلوم شود آیا هدف آفرینش خود را می‌داند؟ آیا آن گنج خدایی نهان را به یاد دارد؟» (خواجeh محمدپارسا، ۱۳۶۶: ۴۸). در حکایت خواجه که بایزید

و ترمذی را در خواب می بیند به او سروری می دهند. در تعبیر خوابش نتیجه می گیرد که این امتحان و بندگی است:

بنده وقت امتحان آید پدید  
امتحان کن تا نشان آید پدید  
(عطار، ۱۳۶۸: ۲۵۲۴)

امتحانات الهی در مثنوی معنوی از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. واژه امتحان در دفتر اول ۲۰ بار، دفتر دوم ۱۵ بار، دفتر سوم ۴۰ بار، دفتر چهارم ۳۹ بار، دفتر پنجم ۳۰ بار، دفتر ششم ۱۴ بار و در ضمن حکایت ۱۲ بار آمده است. مولانا می گوید: انسان برای رهایی خود باید از مرز آزمون‌ها بگذرد. با دور ساختن وابستگی‌های مادی، کنترل نفس، دوری از حرص، شکستن غرور و... با جایگزینی عشق حق تمامی عیب‌بش را بزدايد، تا به درک و شهود واقعی برسد. مولانا آزمون‌ها را علل سنجش ظرفیت انسان‌ها می‌داند. در بسیاری از ابیات ضمن حکایات به آزمون‌های الهی اشاره می‌کند و هشدار می‌دهد. در یک طیف عرفانی با تضمین از آموزه‌های قرآن به مریدان توصیه می‌کند؛ اگر به معرفت حقیقی رسیدی از بلا و امتحان غافل مباش؛ چرا که فرایند آزمون مدام در جریان است:

هست در ره سنگ‌های امتحان      گر تو نقدی یافتی مگشا دهان  
امتحان‌ها هست در احوال خویش      سنگ‌های امتحان را نیز پیش  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۳/ ۷۴۳-۷۴۴)

## ۲-۲- مترادفات امتحان در قرآن کریم و سه اثر عرفانی

### ۲-۲-۱- مترادفات امتحان در قرآن کریم

مترادفات؛ فتنه ۶۰ بار، بلاء ۶ بار، ابتلاء ۱۰ بار، عذاب ۴۰۰ بار، عقاب ۲۰ بار در قرآن کریم آمده است. از منظر قرآن گاهی بلا نعمت است نه نعمت، چنان‌که بلا یوسف (ع) به نعمت عزیزی مصر و پیامبری او منتهی شد. مفسرین واژه‌های بلا و ابتلا را معمولاً به معنای آزمایش گرفته‌اند. در اصل ریشه «فتن» در قرآن به معنای آزمایش است. از واژه فتنه در قرآن کریم، پانزده معنی برداشت شده است که یکی از آن‌ها آزمایش است: آزمایش: (عنکبوت/۲-۱)، (دخان/ ۱۷). در قرآن کریم «عذاب» دو نوعند؛ عذاب‌هایی که بار مثبت دارند و رحمتند (زمر/۵۳)، (انعام/۵۴) و... عذاب‌هایی که بار منفی دارند و مجازاتند. (هود/ ۱۰۲). خداوند در هر لحظه انسان‌ها را مورد آزمایش قرار می‌دهد، در قرآن کریم، آیات بسیاری با این مضمون وجود دارد.

### ۲-۲-۲- مترادفات امتحان در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

سنایی امتحان را رسیدن به حق و رهایی از علائق دنیوی می‌داند در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی مترادفات امتحان فتنه ۲۴ بار، آزمایش ۴ بار، آزمون ۲ بار، آزموده

۲ بار، ممتحن ۲ بار، محک ۲ بار، محن ۱ بار، عذاب ۱۲ بار، بلاء ۲۰ بار تاکید شده است. در حکایت پیری که زَنار بر میان بسته در جواب کنجکاو می‌رید، به او می‌گوید: باید رازدار باشد، زیرا این زَنار برای تنبّه و آگاهی از وابستگی وجود اوست:

هر سحر کو زخواب برخیزد      پیش کو شر و فتنه انگیزد  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۴۸۶)

کاین که نه چرخ و چار ارکانست      آزمایش سرای یزدانست  
نیک و بد را که آن بپرده درست      آزمون پرده ساز و جلوه‌گر است  
(همان: ۱۶۹)

### ۲-۳- مترادفات امتحان در منطق الطیر عطار

مترادفات امتحان در منطق الطیر؛ بلاء ۷ بار، مبتلا ۱۱ بار، عذاب ۴ بار، عقاب ۲ بار، عقوبت ۱ بار آمده است. در حکایت شخصی که دوست از دست داده و در غم او نزد شبلی می‌گردد. شیخ به او توصیه می‌کند؛ دوستی و دمسازی برگزیند که مانا و نامیرا باشد. با آشنایی که عشق و محبتی بی‌مرگ و جاودانه دارد، مأنوس گردد:

هر که شد در عشق صورت مبتلا      هم از آن صورت فتد در صد بلا  
(عطار، ۱۳۶۸: ۲۲۵۲)

### ۲-۴- مترادفات امتحان در مثنوی معنوی

در مثنوی حدوداً، محک ۳۰ بار، ابتلاء ۱۸ بار، مبتلا ۲۵ بار (۵ بار ضمن حکایات)، بلا ۱۳۵ بار (۱۲ بار ضمن حکایات)، فتنه ۴۶ بار (۴ بار ضمن حکایات) در شش دفتر آمده است. مترادفات دیگر امتحان نیز در مثنوی عبارتند از: آزمون ۱۴ بار، آزمایش ۱ بار، محک ۳۰ بار، محن ۱ بار، ممتحن ۱۰ بار، جسک ۱ بار، افتنان ۳ بار، فتن ۲ بار، مفتنن ۱ بار، یفتنون ۱ بار آورده شده است. مولانا برای افشاگری صفات ناستوده سرشت فرعون آزمون را ملاک سنجش شخصیت او قرار می‌دهد:

نقش شیری رفت و پیدا گشت کلب      چون محک دیدی سیه گشتی چو قلب  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۳/ ۷۸۷-۷۸۸)

### ۲-۳- انواع امتحانات الهی در قرآن کریم و سه اثر عرفانی

#### ۲-۳-۱- نفس

#### ۲-۳-۱-۱- امتحان الهی نفس در قرآن کریم

با توجه به بررسی انجام یافته در قرآن کریم و سه اثر عرفانی نتیجه، حکایت از واژه کلیدی «نفس» در امتحانات الهی دارد. در قرآن کریم ۳۴۶ بار بر آن تاکید و یکی از انواع امتحانات، نفس نامتعالی است. ( وَمَا أُبْرِيءُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لِأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي

إِنَّ رَبِّيَ غَفُورٌ رَحِيمٌ (یوسف/۵۳). مجلسی می گوید: پیامبر اسلام (ص) به دشمنی نفس تصریح فرموده است: «أَعْدَى عَدُوِّكَ نَفْسُكَ الَّتِي بَيْنَ جَنْبَيْكَ: دشمن ترین دشمنانت نفس توست که میان دو پهلوئی توست» (مجلسی، ۱۳۸۶ق، ج ۷۱: ۶۴).

### ۲-۱-۳-۲- امتحان الهی نفس در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

از منظر سنایی نفس آماره، نفسی حریص است و هرگز به آن چه دارد، قناعت نمی ورزد. سنایی واژه نفس را در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه حدود ۱۶۰ بار آورده است. او نفس را به حیواناتی چون بوتیمار در حمله کردن به شکار، دنیا پرستی و وابستگی به جغد، سگ در خوردن جیفه های بی مقدار و دل خوش کن، طاووس در جمال پرستی، علایق مادی، ریا و زینت این جهانی و موش در حيله گری و رفتار موذیانه تشبیه می کند. «موش مانند مار است و با جهان زیرین در ارتباط است؛ نیروهای تاریکی، حرکت مداوم، اضطراب بی دلیل، گردنکشی» (کوپر، ۱۳۸۶: ۳۸۵). سنایی به مریدان توصیه می کند تا نفس شوم را کنار نگذارند به وادی حق راه نخواهند یافت:

در ره صدق نفس را بگذار خیز و زین نفس شوم دست بردار

(سنایی، ۱۳۶۸: ۶۷)

در تمامی ادیان از جمله دین اسلام بر کنترل نفس تأکید شده است و همه ادیان از نفس به عنوان گزینه ای ویرانگر و خانمان سوز یاد می کنند:

خان و مانش همه براندازد در ره امتحانش بگدازد

(همان: ۱۱۳)

سنایی در «حدیقه الحقیقه» به مقابله با نفس برمی خیزد و سالک را از خطر آن آگاه می کند. در واقع هشدار می دهد که اگر نفس بر تو غالب شود نمی توانی سر بلند از آزمون بیرون بیایی. ضمن یکی از حکایت هایش، مناظره میان پیر زاهد بصری و نفس می گوید: چگونه پیر تسلیم نفس نمی گردد:

نفس گوید مرا که هان ای پیر چه خوری بامداد کن تدبیر

بازگو مرا که تا چه خورم منش گویم که مرگ و در گذرم

گوید آنگاه نفس من با من که چه پوشم بگویمش که کفن

که کجا رفت خواهی ای دل کور منش گویم خموش تا لب گور

(همان: ۱۳۳)

### ۲-۱-۳-۲- امتحان الهی نفس در منطق الطیر عطار

عطار مفهوم مؤلفه امتحان نفس را در حکایت زیبای شیخ صنعان به خوبی تبیین می کند و به طرز روشمندی انگاره های آزمون را پیش پای مریدانش می گذارد. در منطق

الطیر حدود ۳۱ بار بر آن تاکید شده است. زمانی که شیخ خواب می‌بیند و ضمیر روشنش از اسارت دام نفس خبر می‌دهد، به یارانش می‌گوید: عقبه و امتحانی سخت پیش رو دارد. عطار همانند سنایی از سگ نفس زیاد استفاده کرده است، شفیعی درباره‌ی سگ نفس می‌گوید: «سگ نفس از تعبیرات رایج صوفیه است، از آن روی که پیوسته در طلب دنیاست و دنیا مرداری است که سگان طالب آنند. عقیده بر این بوده است که سگ، مردار را از گوشت مرده خوشتر دارد» (شفیعی، ۱۳۷۶: ۵۴۹). در ادب عرفانی گرگ نماد حرص و آز و انسان اسیر نفس و طمّاع است. ابن مسکویه می‌گوید: «فضایل نفسانی جز با تطهیر کردن جان‌ها از رذایل اخلاقی یعنی شهوات هلاک‌کننده‌ی جسمانی و خوی‌های بهیمی به دست نمی‌آید. هنگامی که انسان بداند که این خوی‌ها فضیلت نیستند بلکه رذایل اخلاقی هستند، از آن‌ها دوری می‌کند و از این‌که با این خوی‌ها وصف شود کراهت دارد.» (ابن مسکویه، بی تا: ۳۳) در نگاه مأل اندیش عطار نفس اماره دوبین و یک چشم، سگ تنبل و کافر است:

نفس تو هم احوال و هم اعورست      هم سگ و هم کاهل و هم کافرست  
(عطار، ۱۳۶۸: ۱۹۷۰)

عطار در حکایت شیخ صنعان می‌گوید: خوک نفس در ضمیر همه‌ی بشر نهفته است تا نفس را نشناسی و رهرو نباشی از وجودش آگاه نمی‌شوی:

در نهاد هر کسی صد خوک هست      خوک باید سوخت یا زتار بست  
تو زخوک خویش اگر آگه نه ای      سخت معذوری که مرد ره نه ای  
(همان: ۱۴۲۲-۱۴۲۵)

## ۲-۳-۱-۴- امتحان الهی نفس در مثنوی معنوی

مولانا که الهام گرفته و مکمل راه سنایی و عطار است هفت مرحله سیر و سلوک عطار را در گستره‌ی مثنوی به چالش می‌کشد و مریدان را به تأمل و تجربه در آن فرا می‌خواند. در ضمن آموزه‌های فرا معرفتی و عرفانی در بیان معارف الهی و نگاه فرا اندیشانه خود به مریدانش به هر نکته‌ای دست می‌یازد و امتحان نفس را در لابلای ابیات مثنوی به مریدان هشدار می‌دهد. در ابیات آغازین مثنوی با تصویر نمادین داستانی شاه و کنیزک، مؤلفه نفس را برای مریدان به چالش می‌کشد:

نفس و شیطان هر دو یک تن بوده‌اند      در دو صورت خویش را بنموده‌اند  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۴۰۵/۳)

نفس در مثنوی حدود ۱۶۱ بار آمده است، از منظر مولانا، امتحانات الهی نو به نو اتفاق می‌افتد و لایه‌ی درونی انسان‌ها در ظاهر آنان تجلی می‌یابد. در مثنوی گاه نفس و حرص به



اژدها، آتش، غول، گرگ و باد تشبیه می‌شوند. از نگاه مطهری: «نفس اماره به سوء یعنی نفسی که به انسان فرمان به بدی می‌دهد و انسان هم تابع فرمان‌دهنده به بدی و شرارت است» (مطهری، ۱۳۷۴، الف: ۱۸۱). هاروت و ماروت هنگامی که به زمین نیامده بودند از زندگی مادی و نفسانی آزاد و رها بودند. پس از نزول به زمین و پذیرش ویژگی‌های انسانی دچار نفس و عقوبت آن می‌شوند:

لحظه لحظه امتحان‌ها می‌رسد سرّ دل‌ها می‌نماید در جسد  
(مولوی، ۱۳۷۰ / ۵ / ۱۸۰۱)

«شاید سببش این است که در مقابل آن عیسی روح قرار دارد که بر این خر سوار است و می‌تواند آن را رام کند و به فرمان خویش درآورد و به اصطلاح نفس اماره را به نفس مطمئنّه بدل سازد.» (اشرف زاده، ۱۳۷۳: ۳۶۱)

### ۲-۳-۲- غرور

### ۲-۳-۲-۱- امتحان الهی غرور در قرآن کریم

نوع دیگری از آزمون‌های پرتکرار قرآن کریم غرور است. در قرآن شواهد مثال بسیاری آمده از جمله؛ شیطان فرشته مقرب دربار احدیت بر اثر غرور از درگاه حق رانده می‌شود. در سوره قلم آیه بیست به داستان باغ سوخته اشاره شده که غرور فرزندان باغدار یمنی و عدم توجه به توصیه پدرشان در کمک به نیازمندان، خداوند باغ را در آتش غرورشان سوزاند و آنان را متنبه ساخت. (قلم/۲۰) در آیات ۳۲ تا ۴۴ سوره کهف داستان دو برادر که به موجب غرور یکی از آن‌ها، سرانجام کار آن شد که باغ سرسبزش در آتش غرور سوخت.

### ۲-۳-۲-۲- امتحان الهی غرور در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

سنایی در «حدیقه الحقیقه» حدوداً ۴۸ بار بر کبر و غرور تاکید کرده است. گاه حجاب را غرور (۱۴۹)، گاه عدم عقل (۳۰۰)، گاه وابستگی این جهانی (۳۶۲) می‌داند. حکیم سنایی از غرور به سرای غرور (۵۵۰)، غرور مهی (۴۲۴)، غرور سراب (۷۲۶) و... نام می‌برد، آدم مغرور را گزنده و مانند دیو و دد درنده می‌داند:

غافلای سال و ماه مغروری دد و دیوی ز آدمی دوری  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۳۱)

سنایی می‌گوید: وقتی کبر و ناز همراه توست تو را با خدای چه کار است؟ و تو عقبی را به دنیا فروخته‌ای:

بس بود کبر و ناز یار ترا با خدای ای پسر چه کار تراست  
می‌کند بر تو عرضه حور و قصور تو به دنیا و زینتش مغرور  
(همان: ۱۴۷-۱۴۸)

### ۲-۳-۲-۳- امتحان الهی غرور در منطق الطیر عطار

در تجمع مرغان، مرغی حجاب راهش را ابلیس می‌داند و به هدهد می‌گوید: ابلیس به واسطهٔ غرور مانع و راهزنم می‌شود. عطار غرور را حجاب راه مسیر پر فراز و نشیب زندگی می‌داند:

در گذر زین خاکدان پر غرور      چند پیمایی جهان ای ناصبور  
(عطار، ۱۳۶۸: ۲۱۹۷)

عطار در داستان مرغان ضمن حکایتی به غرور می‌پردازد و انسان مغرور را ابلیس طبع می‌نامد:

گفت ای ابلیس طبع پر غرور      در منی گم وز مراد من نفور  
غرّهٔ این روشنی ره مباش      نفس تو با توست جز آگه مباش  
(همان: ۲۹۰۱-۲۹۰۶)

### ۲-۳-۲-۴- امتحان الهی غرور در مثنوی معنوی

از منظر مولانا غرور نوعی روان‌پریشی ناشی از دیدن حس بی‌نقصی و کمال بشری است. در این نوع امتحان الهی انسان متکبر و خود شیفته رفتار و گفتار خویش را بدون نیاز به کمال پذیراست، مگر در محور امتحان قرار بگیرد. او بر این باور است، سالک با تحمل آزمون‌های مختلف، به مقام والای کرامت انسانی دست می‌یابد. مولانا نفس و غرور و آمال نهان را به سرگینی تشبیه می‌کند که روی آن را آب زلال پوشانده است. در این سیر الی‌الله، همان‌طور که آب جوی صاف به نظر می‌رسد، اگر آن را بشورانند ناخالصی‌های بُن جوی هویدا می‌شود:

گرچه خود را بس شکسته بیند او      آب صافی دان و سرگین زیر جو  
چون بشورانند تورا در امتحان      آب سرگین رنگ گردد در زمان  
(مولوی، ۱۳۷۱: ۱ / ۳۲۳۱-۳۲۳۴)

### ۲-۳-۳-۳- حرص

### ۲-۳-۳-۱- امتحان الهی حرص در قرآن کریم

واژهٔ حرص در قرآن کریم ۵ بار به کار رفته است، در فرهنگ لغت حرص و طمع به یک معنا به کار می‌روند، طمع به معنای آرزو، ترغیب، میل، حریص بودن و آزمندی است (دهخدا، ۱۳۸۸: ذیل واژه). در قرآن کریم دو نوع حرص مطرح می‌شود: حرص مثبت مانند حرص پیامبر در امر هدایت بشر در آیهٔ (۱۲۸/توبه) و (۱۰۳/یوسف)، و حرص منفی که بسامد بالایی در مضامین به کار رفته با مفهوم سلبی دارد. «حرص محمود، حرص نسبت به شهود حق و کسب معارف و معالی اخلاقی است اما حرص مذموم حرص در تلاش در راه

به دست آوردن لذات مادی» (اکبر آبادی، ۱۳۵۶: ۵۶) در سوره معارج توصیه به عدم تحمل فرد حریص در زمان بدی و بخل و وزیدن در زمان خوبی توصیه شده است. ( إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا ) (معارج/۱۹-۲۱).

### ۲-۳-۳-۲ امتحان الهی حرص در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

سنایی در «حدیقه الحقیقه» حدود سی مرتبه بحث حرص را به میان می‌کشد و بر این باور است که حرص و آز را ترک کن و از آن به قهراله، دیو حرص، کدخدایی بی هیچ، خرس حرص، حرص قارون، حرص دایره وار و... نام می‌برد. در حکایت زنی که به همسرش عزت نفس و خرسندی را توصیه و به حرص قارون اشاره می‌کند، می‌گوید: اگر حرص علایق مادی را بخوری مانند آسیاب دور خودت می‌چرخد و حرص را با قناعت درمان کن: حرص را بر نه از قناعت بند و انگه از دور او گری و تو خند

(سنایی، ۱۳۶۸: ۴۴۴)

### ۲-۳-۳-۲-۳ امتحان الهی حرص در منطق الطیر عطار

مجتبوی می‌گوید: «حالت و صفتی نفسانی است که انسان را به جمع‌آوری آن چه نیاز ندارد، برمی‌انگیزاند، بدون آن که به حد و مقدار معینی اکتفا کند، چون حریص هرگز به حدی که در آن جا توقف کند، منتهی می‌شود» (مجتبوی، ۱۳۶۶، ج ۲: ۱۳۷). در منطق الطیر دنیا به آشیانه حرص و آز تشبیه شده است:

چیست دنیا، آشیان حرص و آز مانده از فرعون وز نمرود باز

(عطار، ۱۳۶۸: ۲۰۵۲)

### ۲-۳-۳-۲-۴ امتحان الهی حرص در مثنوی معنوی

در مثنوی به تأسی از قرآن کریم دو نوع حرص مثبت و منفی مطرح می‌شود و حرص ۱۷۹ بار در ساختار اسم و ۳۱ بار در ساختار صفت به کار رفته است. مولانا گاه واژه حرص را ترکیب گونه می‌آورد: حرص و بیم، حرص و کین و... مولانا واژه حرص را ۱۴۸ بار در ضمن حکایات برای نشان دادن کنش افراد حریص و رسیدن به نتایج اخلاقی داستان، ۶۲ بار در تبیین مسایل دینی و بقیه را در مناجات‌ها و... به کار می‌برد. حقیقت جو می‌گوید: «مَثَلُ فَرْدٍ حَرِيصٍ هَمَّوْنَ سَـَّكِّسًا فَوَاوِيءُ صَخْرَةٍ فَوَاوِيءُ سَـَّكِّسًا» (حقیقت جو، ۱۳۹۱: ۴۶). این تشبیه «عطش کاذب» و «بی دلیل بودن کار زشت است.» (حقیقت جو، ۱۳۹۱: ۴۶). مولانا یکی دیگر از راه‌های درمان حرص را «عشق» می‌داند:

هر که را جامه ز عشقی چاک شد او ز حرص و عیب کلی پاک شد

(مولوی، ۱۳۷۱: ۲۲/۱)

## ۲-۳-۴- وسائوس شیطانی

### ۲-۳-۴-۱- وسائوس شیطانی امتحان الهی در قرآن کریم

شیطان نوعی دیگری از امتحانات الهی است که بر اثر تمرد در برابر معشوق، کمر به اغوای‌گری بشر بسته است. در قرآن ضمن آیاتی نقش او چنین مطرح می‌شود: (وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ) (بقره/۳۴) واژه ابلیس در قرآن ۱۱ بار و شیطان به‌طور مفرد ۷۰ بار آمده است.

### ۲-۳-۴-۲- وسائوس شیطانی امتحان الهی در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه

#### سنایی

هر چند سنایی در متون ادب فارسی یکی از زیباترین دفاعیات ابلیس را آورده است، او را با صفات دو سویه قضاوت می‌کند، از سویی مبرا از گناه و از دگر سو گناهکار می‌داند و می‌گوید؛ هر چه جز حق را از بین ببر:

ور نه ابلیس در درون نماز                      گوش گیرد برون آرد باز

(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۳۸)

سنایی با دیدگاهی دو سویه می‌گوید: حالا که نوش و نیش، رحمت و لعنت خداوند از منظر ابلیس یکسان است، پس مانند کشتی با وزش هر بادی مسیرت را تغییر نده:

مشو از راه ناتوانستن                      همچو کشتی به هر دم آستن  
نه عزازیل چون ز رحمان دید                      رحمت و لعنت هر دو یکسان دید

(همان: ۱۱۰-۱۱۱)

### ۲-۳-۴-۳- وسائوس شیطانی امتحان الهی در منطق الطیر

عطار در بیان اغواگری ابلیس از زبان هدهد می‌گوید: چون نفس آماره هم‌نشین توست، با برآوردن یک آرزو در پی آن صد ابلیس دیگر به وجود می‌آیند:

گفت تا پیش توست این نفس سگ                      از برت ابلیس نگریزد به تگ  
گر کنی یک آرزوی خود تمام                      در تو صد ابلیس زآید والسلام

(عطار، ۱۳۶۸: ۲۰۲۷-۲۰۳۲)

### ۲-۳-۴-۴- وسائوس شیطانی امتحان الهی در مثنوی معنوی

مثنوی نگرشی دو سویه به ابلیس دارد، از سویی او را شرور و اغواگر از دیگر سو در داستان معاویه او را چهره‌ای موحد معرفی می‌کند. مولانا انسان را در قبال اعمالش مسوول می‌داند نه این‌که همواره با فراقنی اعمال ناشایست خود را به شیطان نسبت دهد:

بی گنه لعنت کنی ابلیس را                      چون نبینی از خود آن تلبیس را

(مولوی، ۱۳۷۱: ۲/۲۷۳۶)

از جمله وسوسه‌های شیطانی علایق به صورت‌های مادی است، گاه سراغ مقلدین می‌رود:

صد هزاران اهل تقلید و نشان      افکنده‌شان نیم‌وهمی در گمان  
شبهه‌انگیزد در آن شیطان دون      در، فتند این جمله کوران سرنگون  
(همان: ۲۱۳۶-۲۱۳۷)

مولانا عاقبت دردناک قوم نوح، نمرود، فرعون، لوط، عاد و... را ناشی از نیرنگ ابلیس می‌داند. در مثنوی ابلیس گاه در معنای حقیقی و گاه نمادین و رمزگونه به کار می‌رود. البته در این قصه‌ها ابلیس رمز نفسی است مغرور که بشر را به بیراهه‌های زندگی هدایت می‌کند. از نگاه شهیدی: «در هر حال از مکر شیطان نباید غافل بود. اگر فتوحی برای سالک دست دهد و توفیق عبادت یابد نپندارد که به کمال رسیده است؛ چرا که آزمایشی به میان نیامده تا معلوم گردد چه کاره است» (شهیدی، ۱۳۷۳: ۹۱).

بردگان هر زر نما خندان شده است      زآنکه سنگ امتحان پنهان شده است  
صد هزاران سال ابلیس لعین      بود اب‌دال و امیرالمؤمنین  
پنجه زد با آدم از نازی که داشت      گشت رسوا همچو سرگین وقت چاشت  
(شهیدی، ۱۳۷۳: ۳۲۹۲-۳۲۹۷)

## ۲-۳-۵- عذاب و سختی‌ها در قرآن کریم و سه اثر عرفانی

### ۲-۳-۵-۱- عذاب و سختی‌ها در قرآن کریم

در قرآن کریم، خداوند بشر را با سختی‌های گوناگون درگیر می‌کند. (وَلَنَبْلُوَنَّكُمْ بِشَيْءٍ مِّنَ الْخَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ وَبَشِّرِ الصَّابِرِينَ) (بقره/۱۵۵) «و البته شما را به سختی‌هایی چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازمایم و بشارت و مژده آسایش از آن سختی‌ها صابران است».

### ۲-۳-۵-۲- عذاب و سختی‌ها در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

از منظر سنایی رنج از انواع آزمون‌های الهی و دنیای مادی برای رنج و نیاز و دریافت گنج معرفت با گذر از رنج امکان‌پذیر می‌باشد. در «باب ایثار» به دو جهان اشاره می‌کند و این جهان را سرای رنج می‌داند:

تا در این خاکدان نبیند رنج      نرسد زان سرای بر سر گنج  
این سرای از برای رنج و نیاز      وان سرای از برای نعمت و ناز  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۲۸)

در حکایت پنبه‌زن که در رهنمونی و پاسخ توهین زنی به او می‌گوید: این روزگار برای تو وفايي ندارد به او امیدوار مباش و به وابستگی‌های مادی دل نبند. از خرد کمک بگیر،

هوای نفس را کنار بگذار در برون‌رفت از آن صدق و قناعت را پیشه کن. طاعت ایزدی و سنت پیامبر را به جای بیار:

زیرکی را که دل نخواهد رنج  
عافیت کنج به قناعت گنج  
هر که این کنج و گنج بگذارد  
کس از او زکس نیازارد  
(همان: ۷۳۱)

### ۲-۳-۵-۳- عذاب و سختی‌ها در منطق الطیر عطار

انواع امتحان در منطق الطیر به‌گونه‌ی تمثیلی در قالب حکایت با نقش‌آفرینی پرندگان شکل می‌گیرد. ساختار داستان سرآغاز رهایی مرغان از وابستگی‌های این جهانی باگذر از سختی‌های طاقت فرسا و در انجام سفر پیوستن به لقاالله است. «انسان تا زنده است باید تنگی‌ها و اندوه‌های دنیا را بیازماید و برتابد؛ چراکه در سختی و شدت آفریده شده است» (حلبی، ۱۳۷۶: ۵۸۵).

### ۲-۳-۵-۴- عذاب و سختی‌ها در مثنوی معنوی

مولانا با بهره بردن از آیات سوره (طارق/۹)، سوره (محمد/۱۵)، سوره (بقره/۷۴) به آشکار شدن درون پدیده‌ها و اعمال بشر که چندان خوشایند نیست، اشاره می‌کند. با نوشتن آبی گرم (روده‌ها پاره پاره می‌شوند) خداوند می‌فرماید: پرده‌های حجاب کنار می‌روند و حقایق آشکار می‌گردند. مولانا آتش را برای عذاب کافران در نظر می‌گیرد و سنگ که همان استعاره از کفار است در آتش تیز گذاخته می‌شود:

چون سَقُوا مَاءَ حَمِيمًا قَطَعَتْ  
جَمَلُهُ الْأَسْتَارِ مِمَّا أَفْضَعَتْ  
نار از آن آمد عذاب کافران  
که حجر را نار باشد امتحان  
(مولوی، ۱۳۷۱: ۳۵۹۹/۱-۳۶۰۱)

ندرزگونه برای مریدانش زبان می‌گشاید که تو شریف‌ترین مخلوقات هستی اما باید حد خود را بدانی در غیر این صورت مانند قوم عاد و ثمود دچار قهر و عذاب الهی می‌شوی:

نازنینی تو ولی درحد خویش  
قصه عاد و ثمود از بهر چیست  
الله‌الله پا منه از حد بیش  
تا بدانی کانیا را نازکی است  
(همان: ۳۳۰۵-۳۳۰۷)

مولانا امتحانات سخت را «رحمت» خداوند می‌داند، از منظر او قدرت و مقام دنیوی سراسر رنج و نعمت است و به ابراهیم ادهم اشاره می‌کند که فرمانروایی بلخ را نعمت الهی دانست و آن را رها کرد:

رحمتی دان امتحان تلخ را  
نقمتی دان ملک مرو و بلخ را  
(مولوی، ۱۳۷۰: ۱۷۴۳/۶)

## ۲-۴- راه‌های برون‌رفت از امتحانات الهی در قرآن کریم و سه اثر عرفانی

خداوند پس از آزمودن آستانه تحمل، اسباب رفاه و آسایش را برای انسان فراهم ساخته و برای هر یک از امتحانات الهی درمان نیز قرار داده است. این برون‌رفت‌ها بستگی به ظرفیت امتحان شونده با نوع نگرش او به آزمونش اتفاق می‌افتد. راه‌های برون‌رفت از آزمون‌های سخت الهی چون ایمان‌آوری، صبر، رضا، قناعت، تسلیم، توبه و... می‌باشد. خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: «لَا يَكْلَفُ نَفْسًا وُسْعَهَا» (بقره/ ۲۸۶) آیه گواه بر این مدعاست که هر کدام از ما به اندازه گنجایش و ظرفیت خود مورد محک و آزمایش قرار می‌گیریم.

### ۲-۴-۱- ایمان

#### ۲-۴-۱-۱- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی ایمان در قرآن کریم

کتاب آسمانی قرآن به ایمان آورندگان وعده نیکی دوری از دوزخ و آتش داده شده است (هود/ ۱۰۱). در قرآن کریم ایمان‌آوری رمز پیروزی و یکی از راه‌های درمان و برون‌رفت از وساوس شیطانی است. «اگر شخصی به فردی اعتماد نماید، در این صورت طبعاً گفته‌های وی را می‌پذیرد، خواسته‌های او را انجام می‌دهد، به روش‌های گوناگون با وی راز و نیاز می‌نماید، امیدوارانه چشم به وعده‌هایش می‌دوزد و سرانجام اتحاد با او را تجربه می‌نماید» (هاکس، ۱۳۷۷: ۱۴۵). آیات بسیاری به ایمان اشاره دارد که به طور مستقیم در حدود ۸۸۰ آیه واژه «امن» به کار رفته است. از منظر غزالی ایمان: «اعتقاد صرف به خدا، اعتقاد دل، اقرار زبانی و عمل به ارکان است.» (غزالی، ۱۴۳۲: ۱۱۳). عذاب با ایمان درمان می‌شود و کسانی که ایمان آورده‌اند، عذاب را بر آنان سهل می‌گرداند.

#### ۲-۳-۳-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی ایمان در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

در «حدیقه الحقیقه» حدود ۴۰ بار بر ایمان تاکید شده است و نفس با عقل ایمان‌شناس درمان می‌شود:

نفس فرمان‌پذیر و فرمان‌ده  
عقل ایمان‌شناس و ایمان‌ده  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۶۰)

مارتین لوتر براین باور است که «ایمان هیچ امر دیگری نیست مگر صداقت قلب، یعنی شناخت درست قلب درباره خداوند» (لوتر، ۱۵۳۵، ۶۴).

#### ۲-۳-۳-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی ایمان در منطق الطیر عطار

عطار در منطق الطیر حدود ۱۷ بار از واژه ایمان استفاده کرده است. برتلس می‌گوید: «ما در آثار عطار واقع‌گرایی نمی‌بینیم و رخ داده‌های این داستان بیشتر بیرون از زمان و مکان و در سرزمین نامعلوم افسانه‌ای است» (برتلس، ۱۳۷۶: ۱۰۰). دختر ترسا راهنمایی برای

رسیدن شیخ به ارتقای معنوی که برون‌رفت از آن با تقویت ایمان و نابودی حجاب خودبینی میسر می‌شود. لاهیجی می‌گوید: «یکی از انگیزه‌های عرفا در کاربرد زبان رمزی، مخفی نگه داشتن اسرار غیبی از اغیار بوده است» (لاهیجی، ۱۳۷۱: ۳۱-۳۴) در داستان شیخ صنعان دختر ترسا پس از خوابی که می‌بیند علایق دنیوی را رها می‌کند و ایمان می‌آورد:

کفر برخاست از ره و ایمان نشست  
بت پرست روم شد یزدان پرست

(عطار، ۱۳۶۸: ۱۵۳۱)

عشق شیخ صنعان به دختر ترسا موجب می‌شود تا تمایلات واپس زده روان خود را شناسایی و نفس اماره بالقوه را بالفعل درآورد. شوالیه می‌گوید: «پیر صنعان برای درک پیام ضمیر ناخودآگاه سفری را در پیش می‌گیرد که نشانگر میل به تغییر درونی و نیاز به تجربه‌ای جدید است.» (شوالیه و...، ۱۳۸۵: ج ۳، ۵۸۷).

### ۲-۳-۳-۴- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی ایمان در مثنوی معنوی

ایمان قوی یکی از راه‌های برون‌رفت از وسوس شیطانی در مثنوی است. مولانا ضمن حکایتی، زمانی که ابلیس از خداوند طالب دام‌های زیادی است، می‌گوید:

دام دیگر خواهم ای سلطان تخت      دام مردانداز و حیل‌ساز سخت

خمر و چنگ آورد پیش او نهاد      نیم‌خنده زد بدان شد نیم‌شاد

(مولوی، ۱۳۷۰: ۵ / ۹۴۱-۹۵۳)

### ۲-۴-۲- توبه

### ۲-۴-۲-۱- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توبه در قرآن کریم

توبه، به معنای بازگشت بنده به سوی خدا و از اصطلاحات پرتکرار در قرآن و روایات است. توبه نام نهمین سوره قرآن و با مشتقاتش ۸۷ بار ضمن ۶۹ آیه در قرآن آمده است. خداوند با بیان محبت الهی نسبت به توبه‌کنندگان، مردم را به توبه نصح دعوت می‌کند (توبه/۱۱۸).

### ۲-۴-۲-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توبه سنایی

سنایی در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه حدود سه بار توبه را به کار می‌برد، در آگاهی دادن بر ضمیر عبادت‌کنندگان درباره تغییر رفتارهای زشت توبه را بهترین راهکار پیشنهاد می‌کند:

توبه کن زین شنیع کردارت      ور نبینی به روز دیدارت

(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۰۵)

### ۲-۴-۲-۳- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توبه در منطق الطیر عطار

عطار در منطق الطیر حدود سیزده بار از توبه برای درمان از امتحان الهی بهره می‌برد.



هنگامی که دختر ترسا در پی خوابش به دنبال شیخ روان می گردد و به او می گوید: توبه کردم، آداب اسلام را به من بیاموز:

عرضه کن اسلام تا با، ره شوم  
بـرفکندم توبه تا آگه شوم  
(عطار، ۱۳۶۸: ۱۵۶۷)

#### ۲-۴-۲-۴- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توبه در مثنوی معنوی

مولانا می گوید: اگر گناه کردی با توبه به درمان و برون‌رفت از گناه اقدام و آن را طرد کن:

گر سیه کردی تو نامه ی عمر خویش      توبه کن ز آنها که کردستی تو پیش  
(مولوی، ۱۳۷۰: ۵/ ۲۲۲۱)

#### ۲-۴-۳- توکل

#### ۲-۴-۳-۱- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توکل در قرآن کریم

توکل در لغت اعتماد کردن بر کسی و اعتراف کردن بر عجز خود (دهخدا ۱۳۸۸: ذیل توکل). توکل کردن در واقع تفویض امور و دل سپردن به اراده خداوند است. توکل و مترادفات آن ۷۰ بار در قرآن کریم به کار رفته است و توکل بر خدا موجب کارسازی الهی می گردد (طلاق/۳). (و تَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَ كَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيْلًا) (احزاب/۳).

#### ۲-۴-۳-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توکل در سنایی

«نظر صوفیه در باب توکل مختلف است؛ جمعی آن را با جهد و کوشش و توجه به اسباب منافی نمی دانند و گروهی دیگر آن را ترک همه اسباب و صرف نظر کردن از کسب و کار پنداشته اند» (سجادی ۱۴۲۱: ۱۷). سنایی در حدیقه الحقیقه با استناد به داستان حاتم طایی که به بیت الحرام می رود و عیالش از نظر مالی به مضیقه می افتد. مورد ملامت مردم قرار می گیرد، اعتقاد دارد امتحانی است که با توکل و راضی بودن به رضای خدا حل خواهد شد:

حال وی سربسر بپرسیدند      چون ورا فرد ممتحن دیدند  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۱۱۸)

#### ۲-۴-۳-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توکل در منطق الطیر عطار

اولین مقام از مقامات توکل آن است که بنده در محضر حق مانند مرده در دستان غسل دهنده باشد تا به هرگونه‌ای که بخواهد او را برگرداند. «(سراج طوسی ۱۴۵۶: ۷۳) از منظر عطار، فرجام داستان شیخ صنعان راه درمان و گریز از عقبه با توکل میسور می گردد. هم چنین در حکایت ذوالنون نیز بر توکل تأکید دارد.

## ۲-۴-۳-۴- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی توکل در مثنوی معنوی

از نگاه مولانا، «مؤمنان راستین در بلاهای سخت می‌افتند، اما باز بر خداوند توکل می‌کنند» (مولوی، ۱۳۷۱ الف: ۱۱۹). مولانا درمان نفس را با توکل به حضرت حق می‌داند. او با دو داستان تمثیلی شیر و نخچیران از دفتر اول و خرگازر از دفتر پنجم مثنوی به جدال میان جهد و توکل می‌پردازد. «توکل تفویض امر است به کسی که بدان اعتماد باشد. نیز به معنای واگذاری امور شخصی است به مالک خود و اعتماد به وکالت او.» (سجادی، ۱۳۷۵: ۲۷۳)

## ۲-۴-۴- صبر

### ۲-۴-۴-۱- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی صبر در قرآن کریم

یکی از راه‌های گذر از سختی‌های مادی و نفس‌گیر زندگی در قرآن کریم صبر است که در نهایت انسان به عالم معنوی دست می‌یازد. در قرآن کریم صبر و مترادفات آن ۱۰۳ بار در ضمن ۹۳ آیه و ۴۵ سوره تأکید شده است. (وَلَمَنْ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَلِكَ لَمِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ) (شوری/۴۳) و (احقاف/۳۵).

### ۲-۴-۴-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی صبر در حدیقه الحقیقه و طریقه

#### الشریعه سنایی

صبر در مسیر سیر و سلوک عرفانی، یکی از راه‌های درمان امتحان الهی که همواره نیک فرجام است. سنایی در حدیقه الحقیقه حدود ۲۶ بار صبر را آورده، در ضمن حکایتی دربارهٔ تعلقات و حرص و آز این جهانی می‌گوید:

صبر کن تا درین سرای مجاز از پی‌آز و غم‌نه از پی‌ناز  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۴۶۷)

### ۲-۴-۴-۳- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی صبر در منطق الطیر عطار

عطار در منطق الطیر حدود ۲۱ بار بر صبر تأکید دارد. می‌خواهد آستانه تحمل هر سالک را در برابر امتحان به تصویر بکشد. در حکایتی از شیخ مهنه می‌گوید: طالب، راه سختی از امتحانات الهی دارد که باید صبور باشد:

طالبان را صبر می‌باید بسی طالب صابر نه افتد هر کسی  
(عطار، ۱۳۶۸: ۳۳۱۱-۳۳۱۲)

### ۲-۴-۴-۴- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی صبر در مثنوی معنوی

از منظر مولانا که خود را مفسر بزرگ قرآن می‌داند، جهان میدان آزمایش و امتحانات الهی به‌طور مستمر در جریان است که رسالت بزرگ بیداری و آگاهی برای بشر در پی دارد. نتیجهٔ تلاش انسان در برون‌رفت از آن با گونه‌هایی چون صبر، ایمان‌آوری، رضا، قناعت،

تسلیم، پاکی، نیکی، بردباری، ایمان مداری، نفس‌گریزی و... نمود می‌یابد. در سخن مولوی صبر کلید‌گشایش سختی‌های امتحان است:

صبر کردن بهر این نَبُودِ حرج صبر کن، کالْصَّبْرِ مفتاح الفرج  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۳/۲۱۲)

#### ۲-۴-۵- دعا

#### ۲-۴-۵-۱- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی دعا در قرآن کریم

دعا و نیایش از ارکان عالم هستی است و بنابر ساختار کلی قرآن در جان آیات قرار دارد. خداوند در قرآن کریم برای برون‌رفت از امتحان الهی بر دعا تأکید می‌ورزد: ( وَ قَالَ رَبِّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ ) (غافر/۶۰) همچنین در سوره‌های (مریم/۳۹)، (انبیاء) و ...

#### ۲-۴-۵-۲- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی دعا در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

دعا در حدیقه الحقیقه حدود شانزده بار آمده است. در حکایت شخصی که شیطان بر او غالب گشته بود، حضرت عیسی به او می‌گوید: با دعا کردن از امتحان سربلند بیرون بروی. او نیز دعا کرد و مقبول خداوند قرار گرفت.

گفت عیسی بگویی زود دعا که تویی در زمانه خاص خدا  
(سنایی، ۱۳۶۸: ۳۵۴)

#### ۲-۴-۵-۳- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی دعا در منطق الطیر عطار

در داستان شیخ صنعان مریدی که در مکه منتظر استاد بود، پس از شنیدن ماجرا، مریدان را سرزنش می‌کند و در بازگشت به روم راه درمان ابتلای شیخ را در دعا می‌بیند: جز در حق نیستی جای شما در حضورستی سرا پای شما  
(عطار، ۱۳۶۸: ۱۴۸۴)

#### ۲-۴-۵-۴- راه‌های برون‌رفت امتحان الهی دعا در مثنوی معنوی

مولانا راه‌های درمان و برون‌رفت از امتحانات الهی را با شیوه‌های گوناگون بیان می‌کند. در امتحان بلعم باعور که رو سپید از آن بیرون آمد، مولانا کنش ستوده مبتلا را در دعا و راستی می‌داند تا از دست غولی که استعاره از نفس‌آماره و راهنمایان مدعی است، رها شود: عاقبت برهاندت از دست‌غول تو دعا را سخت‌گیر و می‌شخول  
(مولوی، ۱۳۶۳: ۳/۷۵۷)

## ۲-۵- مفهوم فلسفهٔ امتحانات الهی در قرآن کریم و سه اثر عرفانی

### ۲-۵-۱- مفهوم فلسفهٔ امتحانات الهی در قرآن کریم

بی‌شک فلسفهٔ امتحان در همهٔ ادیان الهی مطرح شده است. در ورای تمامی امتحانات فلسفه‌ای است که همهٔ آزمایش‌های الهی را فرا می‌گیرد و هدف واحدی را دنبال می‌کند که منتج به فلسفه الهی می‌شود. خدای واحدی که «کنزاً مخفياً» است و دوست دارد، شناخته شود. در مسیر شناخت خداوند هر چه فراز و نشیب‌ها بیشتر باشد میزان و معیار اعتبار و عاشقی مشخص‌تر می‌شود، خداوند هم عاشق او می‌شود «يَحِبُّهُمْ يَحِبُّونَهُمْ» بر همین اساس امتحان الهی نیز شکل می‌گیرد. قرآن: (الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا) (ملک/۲).

### ۲-۵-۲- مفهوم فلسفهٔ امتحانات الهی در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

موضوع امتحان الهی در شعر عرفانی بازتاب گسترده‌ای دارد. این که فلسفه وجود امتحان سختی‌ها در زندگی چیست؟ چرا برخی منعم یا گرفتارند؟ آیا افراد خاصی مورد امتحان الهی قرار می‌گیرند یا همه موجودات را در بر می‌گیرد؟ «باقابلیت، ارزش‌ها محک زده می‌شود. البته این قابلیت نسبی است» (زمانی، ۱۳۸۶ الف: ۳۳).

### ۲-۵-۳- مفهوم فلسفهٔ امتحانات الهی در منطق الطیر عطار

انواع امتحان الهی در سفر تمثیلی مرغان، این بازگشت نمادین به سوی اصل خویش پس از مراحل بسیار سخت و پرخطر برای حصول به کمال والای نفس و راهیابی نزد حضرت حق است. جلوهٔ فلسفهٔ امتحان الهی در داستان شیخ صنعان نمونهٔ بارز آن است، زرقانی می‌گوید: «این رویا به «عقبه‌ای دشوار» اشاره دارد؛ می‌توان آن را به آزمایش الهی تعبیر کرد که در تکمیل سلوک ناگزیر است، خودبینی شیخ سلب «توفیق ربّانی» شده که نتیجهٔ آن از حرم ایمان به روم کفر افتادن است.» (زرقانی، ۱۳۸۵: ۷۳). عطار با زبانی رمزآلود که برداشت آن برای ظاهر بینان و قشری‌نگران، قابل دریافت نباشد در داستان سفر مرغان مفهوم انواع امتحانات الهی را به چالش می‌کشد.

### ۲-۵-۴- مفهوم فلسفهٔ امتحانات الهی در مثنوی معنوی

آبشخورهای اصلی مولوی عبارت‌اند از: قرآن کریم، احادیث نبوی و علوی، سیره و احوالات متصوفه ماقبل خود، تعالیم زرتشت، حکمای ایران قبل از اسلام (حکمت خسروانی یا فلهلویون) و ستون اصلی این منابع متعدد آیات قرآن کریم است. مولانا در فیه‌ما فیه تأکید می‌کند: «پس این عالم را آفرید که از ظلمت است که نور او پیدا شود و هم‌چنین انبیا و اولیا را پیدا کرد و ایشان مظهر نور حق‌اند تا دوست از دشمن پیدا شود و بیگانه ممتاز گردد» (مولوی، ۱۳۷۵ الف: ۳۱۵). بازتاب مولانا از مفهوم فلسفهٔ امتحان در مثنوی

این چنین است:

چون مراد و حکم یزدان غفور  
بود در قدمت، تجلی و ظهور  
پس خلیفه ساخت صاحب سینه‌ای  
تا بود شاهش را آینه‌ای  
(مولوی، ۱۳۷۰: ۶/۱۰۳)

«آزمایش و امتحان انسان‌ها برپایه حسن عمل و انجام عمل نیک و یکی از اهداف آفرینش انسان بیان شده است» (فروزان فر، ۱۳۸۵: ۱۲۰).

## ۲-۶-۲- تاثیر پذیری سه اثر عرفانی از قرآن کریم

### ۲-۶-۲-۱- تاثیر پذیری سنایی از قرآن کریم در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه

هر چند به لحاظ واژگانی امتحان و مترادفات آن در شعرش زیاد، دیده نمی‌شود اما از نظر مفهومی به تبعیت از قرآن کریم، امتحان الهی در سراسر دیوانش ضمن حکایت‌های مختلف مشهود است. از این نظر جان مایه ابیاتش در تشابه اهداف قرآن کریم است. در جدول زیر بسامد نمونه‌هایی از انواع امتحانات الهی حدوداً مطرح شده است:

### ۲-۶-۲-۲- تاثیر پذیری عطار از قرآن کریم در منطق الطیر

عطار در منطق الطیر به‌طور مستقیم از آیات استفاده کرده است؛ ۳۰ آیه از قرآن را به دو صورت تلمیح و تضمین در مقدمه منطق الطیر آورده است. شعرش مملو از آیات، احادیث، روایات و معانی و مفاهیم قرآنی است. روح عطار با مضامین قرآن به‌گونه‌ای تفکیک‌ناپذیر عجین شده است. «مهم‌ترین الگویی که متون عرفانی، از جمله منطق الطیر، مستقیم و غیرمستقیم با آن گفتگو دارند، قرآن است» (صنعتی نیا، ۱۳۷۶: ۲۴).

### ۲-۶-۲-۳- تاثیر پذیری مولوی از قرآن کریم در مثنوی معنوی

بی‌شک در باب تأثیرپذیری مولانا از قرآن کریم و پاسخ به میزان اندیشه او از این کتاب سترگ آسمانی به جرأت می‌توان گفت: زمانی که قرآن بر پیامبر (ص) نازل شد، اولین واژه فعل امر «اقرأ» بود: بخوان. (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ) (علق/۱) «بخوان به نام پروردگارت که (هستی را) آفرید». مولانا به تأسی از قرآن کریم، اولین واژه را با فعل امر «بشنو» آغاز می‌کند:

بشنو این نی چون شکایت می‌کند  
از جداییها حکایت می‌کند  
(مولوی، ۱۳۷۱: ۱/۱)

در فعل امر «بشنو» چنان صلابتی نهفته است که گویی می‌خواهد تمامی کائنات را با خود همسو کند و این واقعیت را به اثبات برساند که نخستین رسالت معرفت و هدایت، خوب شنیدن است. به مریدانش توصیه می‌کند: زمانی به معرفت دست خواهند یافت که با جان دل شنیده باشند. این حقیقت را در کلام وحی هم درمی‌یابیم، وقتی خداوند به

پیامبر (ص) می‌فرماید: «قرأ» امر به خواندن می‌کند. به یقین در پس این خواندن، حقیقتی شگرف و تأمل‌برانگیز نهفته است. مولوی با دیدگاه عرفانی و ذهن توانمند خود به‌عنوان خواننده با پیش‌فرض‌های ویژه‌ای در برابر متن سترگ تأویل‌پذیر قرآن به کشف معانی و مفاهیم تازه‌ای دست می‌یابد. عدم حضور مولوی در زمان نزول آیات با فاصله‌ی زمانی هفت قرن به او این امکان را می‌دهد که با اصطلاحات عرفانی، دگردیسی درونی و ذهن اندیشمند خود به خوبی از قرآن بهره‌بردار شود. خاستگاه اولیه‌ی مولانا بر مبنای نخستین میثاق انسان با خداوند (اعراف/۱۷۲) در قرآن کریم است. هنگامی که مولانا می‌گوید: «بشنو» این هشدار برای گوش جان است با گوش ظاهر کاری ندارد. گذر از موانع زمانی میسر است که انسان مورد محک و آزمایش قرار بگیرد.

حسرت و زاری که در بیماری است      وقت بیماری همه بیداری است

(همان : ۶۲۷)

مولانا در ضمن ۴۰۰ حکایت، در ۲۵ هزار بیت مثنوی از ۲۵۰۰ آیه قرآن بهره‌بردار شده است «منبع اصلی عقاید همه فرقه‌های اسلامی، حتی متصوفه و هم‌چنین مولانا، مبتنی بر قرآن است. درست است که منبع و سرچشمه‌های اندیشه‌های مولوی بسیار است، اما اصلی‌ترین و مهم‌ترین مرجع او را می‌توان قرآن و حدیث دانست» (چیتیک، ۱۳۸۲: ۲۷۶). مولانا برای وصول به اهداف تعلیمی و تربیتی خود همانند قرآن زبان قصه‌گویی و تمثیل را برای مانایی در اذهان برمی‌گزیند. زرین‌کوب می‌گوید: «جای تعجب نیست که زمینه فکری و بیان مولوی بیش از هر چیز متأثر از قرآن است؛ چرا که خانواده‌ی او به وعظ و تذکیر مشغول بودند و در مجالس وعظ همواره رسم بر تلاوت قرآن بر پای منبر بوده است» (زرین‌کوب، ۱۳۷۹: ۳۴۱).

### ۳- نتیجه‌گیری

بر اساس نص صریح قرآن، «امتحانات الهی» سنت قطعی و مداوم با برون‌رفتی ناممکن است. زندگی انسان‌ها در جهان بر مبنای برنامه‌های منظم و دقیق، پیش‌بینی شده که در چه زمینه‌هایی مورد آزمایش قرار بگیرد. این آزمایش‌ها به‌طور مستمر در طول زندگی بشر جاری است. امتحانات الهی در سه اثر عرفانی به تبعیت از قرآن کریم به وضوح دیده می‌شود. سنایی در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه با بهره‌گیری از مضامین قرآنی انواع امتحانات الهی را برای سالکان تبیین می‌کند. عطار در منطلق الطیر رمزگونه و گاه به شیوه تلمیح، تضمین و تمثیل به بیان نمادها می‌پردازد و در فرجام کار به توحید رهنمون می‌شود. مولانا در ۲۵ هزار بیت مثنوی از ۲۵۰۰ آیه قرآن بهره‌می‌برد که حدوداً شامل یک چهارم از نمادهای قرآنی می‌شود. علاوه بر کاربرد آیات، قصص و ترکیبات قرآن، زندگی امتحانات

فرشتگان و پیامبران را به تصویر می کشد. هر چند تشابه بهره گیری و تبعیت از قرآن در هر سه اثر دیده می شود ولی در مثنوی مولوی به طرز گسترده ای تجلی می یابد. شاید از همین روست که او خود را مفسر بزرگ قرآن می داند.

### جدول ۱- بسامد امتحان در قرآن کریم

قرآن کریم	سوره	سوره	مجموع
امتحان	ممتحنه	حجرات	
	۱ بار	۲ بار	۳ بار

### جدول ۲- بسامد امتحان در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه

حدیقه الحقیقه	امتحان	آزمایش	آزموده	ممتحن	محن	محک	مجموع
	۳	۴	۲	۲	۱	۲	۱۴

### جدول ۳- بسامد امتحان در منطق الطیر

منطق الطیر	امتحان	بلاء	مبتلا	مجموع
	۵	۷	۱۱	۲۹

### جدول ۴- بسامد امتحان در مثنوی معنوی

مثنوی	امتحان	ابتلا	مبتلا	بلا	محک
دفتر اول	۲۰	۰	۱	۱۱	۶
دفتر دوم	۱۵	۰	۵	۱۶	۸
دفتر سوم	۴۰	۴	۶	۳۱	۲
دفتر چهارم	۳۹	۶	۱	۲۶	۱۳
دفتر پنجم	۳۰	۲	۶	۲۱	۱
دفتر ششم	۱۴	۶	۶	۲۸	۰
مجموع	۱۵۸	۱۸	۲۵	۱۳۵	۳۰
درضمن حکایت	۱۲	۰	۵	۱۲	

### مترادفات دیگر امتحان نیز در مثنوی

عبارتند از: آزمون ۱۴ بار، آزمایش ۱ بار، محک ۳۰ بار، محن ۱ بار، ممتحن ۱۰ بار، «جسک»، ۱ آورده شده است.

#### جدول ۵- جدول مترادفات در قرآن کریم

قرآن کریم	فتنه	بلاء	ابتلاء	عذاب	عقاب
	۶۰	۶	۱۰	۴۰۰	۲۰

#### جدول ۶- مترادفات در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه

حدیقه	فتنه	آزمون	آزموده	آزمایش	ممتحن	محن	محک	عذاب	بلاء
	۲۴	۲	۲	۴	۲	۱	۲	۱۲	۲۰

#### جدول ۷- جدول مترادفات امتحان در منطق الطیر

منطق الطیر	بلاء	مبتلا	عذاب	عقاب	عقوبت
	۷	۱۱	۴	۲	۱

#### جدول ۸- مترادفات امتحان در مثنوی معنوی

فتنه	افتنان	فتن	مفتنن	یفتنون
۳۱	۳	۲	۱	۱



### جدول ۹- انواع امتحانات الهی در قرآن کریم

قرآن کریم	تعداد	آیات
نفس	۳۴۶	
غرور	پرتکرار	اعراف/۱۲)، (هود/۲۷ و ۳۲)، (هود/۹۱)، (زخرف/۱ و ۵)، (آل عمران/۲۴) و....
صبر	۷۰	با مترادفات
رنجور	۲	در آیه ۷۸ سوره اسراء
رنج	۳	
حرص	۵	(بقره/۹۶)، (نساء/۱۲۹)، (یوسف/۱۰۳)، (توبه/۱۲۸)، (نحل/۳۷)
طمع	۱۲	

### جدول ۱۰- انواع امتحان الهی در حدیقه الحقیقه و طریقه الشریعه سنایی

حدیقه الحقیقه	نفس	رنج	بلا	کبر و غرور	حرص	ابلیس	عذاب	فتنه
	۱۶۰	۶۶	۲۰	۴۸	۳۳	۳۱	۱۲	۲۴

### جدول ۱۱- انواع امتحانات الهی در مثنوی

منطق الطیر	نفس	رنج	بلا	کبر و غرور	ابلیس	عذاب	مبتلا	رنجور
	۱۱۳	۸	۷	۱۶	۱۸	۴	۱۱	۵

### جدول ۱۲- انواع امتحانات الهی در مثنوی

مثنوی	دفتر اول	دفتر دوم	دفتر سوم	دفتر چهارم	دفتر پنجم	دفتر ششم	مجموع
حرص	۱۷	۱۹	۳۸	۶۳	۵۴	۱۹	۲۱۰
طمع	۲۷	۲۴	۲۴	۶	۱۱	۱۶	۱۰۶
آز	۴	۱	۳	۱	۰	۰	۹
نفس	۲۴	۳۷	۳۰	۱۲	۲۹	۳۰	۱۶۱
غرور	۷	۴	۴	۳	۱	۳	۲۲
عذاب	۲	۶	۴	۱	۱۰	۲	۲۵

## منابع

- ۱- قرآن کریم، تفاسیر جامع نور.
- ۲- ابن مسکویه، ابی علی احمد بن محمد. (بی تا). تهذیب اخلاق و تطهیر الاعراق، قدّم له الشیخ حسن تمیم، بیروت: دارالمکتبه الحیاه للطباعه و النشر.
- ۳- اشرفزاده، رضا. (۱۳۷۳). تجلی رمز و روایت در شعر عطار نیشابوری، چاپ اول، تهران: انتشارات اساطیر.
- ۴- اکبر آبادی، ولی محمد. (۱۳۵۶). مخزن الاسرار (شرح مثنوی)، تهران: فردوس.
- ۵- برتلس، یوگنی ادواردویچ. (۱۳۷۶). تصوف و ادبیات تصوف، ترجمه سیروس ایزدی، تهران: امیرکبیر.
- ۶- خواجه محمدپارسا. (۱۳۶۶). شرح فصوص الحکم، به تصحیح جلیل مسگر نژاد، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۷- حقیقت جو، حسین. (۱۳۹۱). چهل مثل از قرآن، قم: انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- ۸- حلبی، علی اصغر، ۱۳۷۶، مبانی عرفان و احوال عارفان، تهران: اساطیر.
- ۹- چیتیک، ویلیام. (۱۳۸۲). راه عرفانی عشق تعالیم مثنوی مولوی، ترجمه شهاب‌الدین عباسی، تهران: پیکان.
- ۱۰- دهخدا، علی اکبر. (۱۳۸۸). لغت نامه دهخدا، چاپ دوم، تهران: دانشگاه تهران.
- ۱۱- زرقانی، مهدی. (۱۳۸۵). «تأویلی دیگر از حکایت شیخ صنعان»، مجله دانشکده ادبیات و علوم انسانی مشهد: س ۳۹، ش ۳.
- ۱۲- زرین کوب، عبدالحسین. (۱۳۷۹). سر فی، نقد و شرح تحلیلی و تطبیقی مثنوی، تهران: علمی.
- ۱۳- زمانی، کریم. (۱۳۸۶ الف). میناگر عشق شرح موضوعی مثنوی معنوی، تهران: نشر نی.
- ۱۴- سجادی، سید جعفر. (۱۳۷۵). فرهنگ اصطلاحات و تعبیرات عرفانی، چاپ سوم، تهران: طهوری.
- ۱۵- سجادی، سیدضیاءالدین. (۱۴۲۱). مقدمه‌ای بر عرفان و تصوف، چاپ هفدهم، تهران: سمت.
- ۱۶- سراج طوسی، ابونصر. (۱۴۵۶). اللمع فی التصوف، تصحیح رینولد الن نیکلسون، مترجمان قدرت اهل خیاطان و محمود خرسندی، چ اول، سمنان: انتشارات دانشگاه سمنان.
- ۱۷- سنایی، مجدودبن آدم. (۱۳۶۸). دیوان سنایی، به کوشش مدرس رضوی، تهران:

موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.

۱۸- سنائی غزنوی، ابوالمجدودبن آدم. (۱۳۳۶). **کلیات دیوان**، به تصحیح مظاهر مصفا، تهران: امیرکبیر.

۱۹- شاکریان، طاهره و یزدان پناه، مهرعلی، پارسایی، حسین. (۱۳۹۸). «بررسی تطبیقی سنت امتحان الهی در قرآن کریم و مثنوی مولانا»، **فصلنامه علمی پژوهشی زبان و ادبیات فارسی**، دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد سنندج، سال یازدهم، شماره ۳۸، بهار، صص ۲۴ تا ۵۳.

۲۰- ..... و .....، .....، .....، .....، ..... (۱۳۹۹). «فلسفه امتحان الهی و صفات مبتلایان در مثنوی با رویکردی بر قرآن کریم»، **فصلنامه علمی تفسیر و تحلیل متون (دهخدا)**، کرج، دوره ۱۲، شماره ۴۶، زمستان. صص ۲۶۵ تا ۲۹۲.

۲۱- شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۶). **تازیانهای سلوک**، چاپ دوم، تهران: نشر آگه.

۲۲- شوالیه، ژان و گاربران، آلن. (۱۳۸۵). **فرهنگ نمادها**، ترجمه سودابه فضائلی، تهران: جیحون.

۲۳- شهیدی، سید جعفر. (۱۳۷۳). **شرح مثنوی جزو چهارم از دفتر اول**، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۲۴- صنعتی نیا، فاطمه. (۱۳۷۶). «نقد و بررسی کتاب مآخذ قصص و تمثیلات مثنویهای عطار نیشابوری»، **منبع ایران شناسی**، سال نهم، تابستان ۱۳۷۶، شماره ۳۴.

۲۵- عطار نیشابوری، فریدالدین. (۱۳۶۸). **منطق الطیر**، به اهتمام و تصحیح سید صادق گوهرین، چاپ ششم، تهران: انتشارات علمی فرهنگی.

۲۶- غزالی، ابوحامد محمد بن محمد، ۱۴۲۳، **احیاء علوم الدین**، جلد اول، بیروت: دارالکتب العلمیه.

۲۷- فروزان فر، بدیع الزمان. (۱۳۸۵). **احادیث و قصص مثنوی**، تهران: امیرکبیر.

۲۸- کوپر، جین. (۱۳۸۶). **فرهنگ مصور نمادهای سنتی**، ترجمه ملیحه کرباسیان، چاپ دوم، تهران: فرهنگ نشر نو.

۲۹- لاهیجی، محمد. (۱۳۷۱). **شرح گلشن راز با مقدمه کیوان سمیعی**، تهران: سعدی.

۳۰- مجتبوی، سید جلال الدین. (۱۳۶۶). **علم اخلاق اسلامی**، (ترجمه حاج السعادت)، چاپ دوم، تهران: حکمت.

۳۱- مولوی، جلال الدین محمد. (۱۳۶۳). **شرح مثنوی معنوی**، محمد استعلامی،

- چاپ اول، تهران: زوار.
- ۳۲- ..... شرح مثنوی معنوی، محمد استعلامی، چاپ اول، تهران: زوار.
- ۳۳- ..... شرح مثنوی معنوی، محمد استعلامی، چاپ اول، تهران: زوار.
- ۳۴- ..... شرح مثنوی معنوی، محمد استعلامی، چاپ سوم، تهران: زوار.
- ۳۵- .....، ..... (۱۳۷۱، الف). مکتوبات مولانا جلال‌الدین رومی، به کوشش: توفیق سبحانی، تهران: مرکز نشر دانشگاهی.
- ۳۶- .....، ..... (۱۳۷۵، الف). فیه ما فیه میراث درخشان مولانا جلال‌الدین محمد، رومی به کوشش: حسین حیدر خانی، تهران: سنایی.
- ۳۷- مجلسی، محمدباقر. (۱۳۸۶). بحار الأنوار، تهران: مکتبه‌ی اسلامیّه.
- ۳۸- مکارم شیرازی، ناصر. (۱۳۸۴). تفسیر نمونه، جلد ۱، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
- ۳۹- مطهری، مرتضی. (۱۳۷۴ الف). آشنایی با قرآن، تهران: انتشارات صدرا.
- ۴۰- هاکس، جیمز. (۱۳۷۷). قاموس کتاب مقدس، تهران: اساطیر.
- 41-Luther, martin. (1535). **Lutherworksvol**, 26: Lectureson Galati-ans, chapters 4,p.64.